

سخنرانی در دیدار با مسؤولان کشوری و لشکری و میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی - 16 مهر / 1369

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من هم میلاد با سعادت نبی معظم اسلام، حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) و همچنین ولادت سلاله‌ی مطهر ایشان، حضرت صادق (علیه الصلاه والسلام) را به هم‌هی مسلمانان عالم و به ملت بزرگوار و عزیز ایران و به شما عزیزان حاضر در این مجلس، تبریک عرض می‌کنم.

نام مقدس پیامبر (ص) یکی از پرجاذبه‌ترین پدیده‌های اسلامی برای کلیه‌ی مسلمانان عالم است؛ چون مسأله، مسأله‌ی عاطفه و ایمان با هم است. لذا قوت عملکرد این یاد و این نام برای صحنه‌های مربوط به مسلمین، از بسیاری از پدیده‌های دیگر اسلامی که فقط بر ایمان متکی است و عواطف در آن نقشی ندارد، بیشتر است. به همین خاطر، بعضی از متفکران بزرگ عالم اسلام، در دوره‌ی قبل از ما گفته‌اند که محور وحدت مسلمین و اتحاد عملی آنها، می‌تواند نام مقدس این بزرگوار و ایمان به آن حضرت و یاد آن نبی معظم باشد. این، حرف درستی است. خوشبختانه امسال این مراسم، با اعلام رسمی تشکیل "مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه" - که برادران ما همت کردند و این کار شروع شد و باید ان شاء الله در جهت اهداف عالی‌هی اسلام حرکت کند - همراه است. در مسأله‌ی وحدت، دو نقطه یا دو جهت‌گیری اساسی وجود دارد که هر کدام به تنهایی، حایز اهمیتند. وقتی ما شعار وحدت را می‌دهیم، این دو نکته‌ی اساسی باید مورد توجه ما باشد و همین‌هاست که برای زندگی عملی مسلمین، کارساز است:

یکی از این دو نکته، عبارت از رفع اختلافات و تناقضها و درگیریها و تضادها و کارشکنیهاست که از قرن‌ها پیش تا امروز، میان طوایف و فرق مسلمین وجود داشته است و همیشه هم این تناقضها به ضرر مسلمین تمام شده است. اگر به تاریخ اسلام برگردیم، خواهیم دید که زمام و مبدأ همه و یا قسمت اعظم این تعارضها و تناقضها، به دستگاه‌های قدرت مادی برمی‌گردد. تاریخ اسلام را ملاحظه کنید، خواهید دید که از اختلافات اولیه - یعنی مسأله‌ی خلق قرآن و امثال آن - تا بقیه‌ی اختلاف‌هایی که در طول زمان، بین فرق اسلامی - مخصوصاً در زمان‌های بیشتری بین شیعه و سنی - اتفاق افتاده است، تقریباً سر نخ این اختلافات در تمام بلاد اسلامی، دست قدرتهاست. البته جهالت‌های عمومی و تعصب‌های غیرمتکی به منطق و تحریک احساسات یکدیگر اثر دارد، اما اینها زمینه است و هیچ‌کدام، آن حوادث خونین بزرگی را که ما در تاریخ مشاهده می‌کنیم، به وجود نمی‌آورد. آن حوادث بزرگ، به دستگاه ارباب قدرت برمی‌گردد که از این اختلاف، دنبال فایده‌ی می‌گشتند. استعمار که وارد کشورهای اسلامی شد - بعضی مستقیم و بعضی غیرمستقیم - واضح شد که او هم دنبال همین قضیه است.

رفتار بعضی از شخصیت‌های معروف اروپایی - چه سیاسی و چه فرهنگی - خیلی عبرت‌انگیز است. به مصر که می‌رفتند، یک‌طور صحبت می‌کردند؛ به باب عالی کشور عثمانی که می‌رفتند، یک‌طور صحبت می‌کردند؛ به ایران شیعی که می‌آمدند، طور دیگر صحبت می‌کردند. هدفشان هم به هم‌ریختن نظام وحدت بود که استعمار اروپا و سردمداران تمدن صنعتی، از آن می‌ترسیدند؛ حق هم داشتند که بترسند. کار خودشان را هم کردند و بین مسلمین، اختلاف عمیق و عجیبی را به وجود آوردند.

وحدتی که ما اعلام می‌کنیم و شعار می‌دهیم و به آن دلبسته هستیم و دنبال آن، حرکت و کار می‌کنیم، اولین نقطه‌اش باید ناظر به رفع این تعارضها و تناقضها و اختلافها و درگیریها باشد، که خدای متعال به این راضی است و مؤمنان و مخلصان و اولیا و عقلا، از آن خشنودند. باید مقدمات و زمینه‌های این کار فراهم بشود. اختلاف عقیدتی دارند، داشته باشند؛ اختلاف قومی دارند، داشته باشند؛ تغایر نژادی دارند، داشته باشند. اینها، مستلزم و مستوجب تنافس و تعارض و درگیری و جدال بین مسلمین نشود. باید همه مخلصانه کار کنند. علمای بزرگ، متفکران، روشنفکران، نویسندگان، شعرا، هنرمندان، واقعا این را واجب الهی بدانند. این آیه‌ی شریفه‌ی قرآن: "واعصموا

بحبل الله جميعا" و آیات دیگر، خطاب به ما و همهی مسلمین در مقابل دشمنان اسلام است. به این آیات عمل کنیم.

نکته‌ی دوم این است که این وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد؛ والا پوچ و بی‌معنی خواهد بود. اگر علمای اسلام قبول می‌کنند که قرآن فرموده است: "و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله"، پیامبر نیامد که نصیحتی بکند، حرفی بزند، مردم هم کار خودشان را بکنند و به او هم احترامی بگذارند؛ آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد، جامعه و زندگی را هدایت کند، نظام را تشکیل بدهد و انسانها را به سمت اهداف زندگی درست پیش ببرد. اگر علمای اسلام قبول دارند که قرآن کریم می‌فرماید: "لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط"، اقامه‌ی قسط و عدل و رفع ظلم و ایجاد زندگی صحیح برای بشر، هدف ادیان است، پس باید حرکت به سمت حاکمیت اسلام باشد و حاکمیت اسلام در کشورها و جوامع اسلامی، امری ممکن است.

پانزده سال قبل، تردید بود که آیا اصلاً حاکمیت اسلام، ممکن است یا نه؟ انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی در ایران، حرکت حیاتبخش و عظیم امام (رضوان الله تعالی علیه)، قدرتی که آن مرد الهی و ملکوتی، در مقابل قدرتهای مادی از خود نشان داد و ثابت کرد که قدرت دین و معنویت، از قدرت مادیت و پول و سلاح بیشتر است، باید تردید را از ذهنها زدوده باشد. بله، تشکیل نظام اسلامی در اقطار عالم اسلامی، امری ممکن است.

البته جامعه‌ی اسلامی و حکومت اسلامی، دردهایی دارد. زندگی، دردرس دارد. زندگی بی‌دردسر در دنیا که ممکن نیست. این دردرس، بهای چیست؟ اگر بهای آزادی و استقلال و عزت و قرب به خدا و عمل به احکام و تعالیم اسلامی است، باشد. نظام جمهوری اسلامی، این دوازده سال را با عزت و عظمت و قدرت ایستاد، مبارزه کرد و طبیعتاً مشکلاتی هم داشت. کشورهایی هم بودند که در ظل سنگین و نامیمون حکومت و نفوذ قدرتهای خارجی زندگی کردند. مگر مردم آنها، کمتر از ملت ایران مشکل و دردرس داشتند؟ اگر بیشتر نداشتند، کمتر نداشتند. تازه در مقابل چه چیزی مشکلات داشتند؟ در مقابل این که امروز را به شب برسانند، شب را به صبح برسانند و زندگی روزمره و بی‌هدف و بی‌عزت و بی‌نور خود را سپری کنند. دردهای جمهوری اسلامی، همان دردهایی است که نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در طول حکومت مبارک خود تحمل کرد. تبلیغات و محاصره و تهاجم دشمن بود، ولی از اینها پیروز بیرون آمد؛ ما هم پیروز بیرون آمدیم.

البته دشمنان نمی‌خواهند دست بردارند و به همین خاطر، این سنگ‌پرانی را می‌کنند. این حرکتی است که کاروان اسلام می‌کند و از پشت سر، سنگی هم پرتاب می‌کنند که ساق پای را هم مجروح خواهد کرد؛ ولی جلوی راه را نمی‌توانند بگیرند. در طول این دوازده سال، دشمنان علیه ما تبلیغ کردند؛ سعی نمودند که چهره‌ی زشتی از اسلام و نظام جمهوری اسلامی نشان دهند؛ تلاش کردند که چیزهایی را قلب کنند و معمولاتی را در بین مردم دنیا منتشر نمایند؛ ولی واقعیتها غیر از اینهاست. واقعیت، عبارت از یک کشور قوی مصمم بزرگ آباد رو به آبادی هرچه بیشتر و در زیر سایه‌ی اسلام و به سمت عدل اسلامی و عزت و قدرت ناشی از اعلاهی کلمه‌ی اسلام و مورد توجه و تعطف عامه‌ی مسلمین در اکناف عالم است. حالا دشمن تبلیغی هم بکند، حرف بی‌ربطی هم بزند، تعرضی هم بکند، یک جا یک نیش اقتصادی یا سیاسی هم بزند، چه تأثیری می‌کند؟ دایم از این کارها کردند، باز هم می‌کنند. دو نفر برادر در جمهوری اسلامی، سر قضیه‌ی با هم مجادله‌ی لفظی می‌کنند که خیلی چیز عادی است و نبودنش عجیب و مابه‌ی بهت و سوءظن است و ناشی از خمودگی خواهد بود. سر قضیه‌ی خبرگان، سر قضیه‌ی امور سیاسی، سر قضیه‌ی امور اقتصادی، برادران در مجلس و در جای دیگر می‌ایستند، یکی این می‌گوید، یکی آن می‌گوید. اختلاف نظر و مجادله، برای پیدا کردن حق است. گفتگو، برای روشن شدن راه است. هر کدام، نظر خودشان را بیان می‌کنند. هیچ چیزی هم نیست، برادر هم هستند. هر کس هم که می‌خواهد امتحان کند، امتحان کند. اندک تعرضی به نظام جمهوری اسلامی بشود، همین برادرانی که سر قضیه‌ی با هم مجادله می‌کنند، دست در دست هم، مشتها گره کرده، به استقبال خطر خواهند رفت، تا از اسلام و نظام اسلامی دفاع کنند.

همین مجادله و مناقشه‌ی برادرانه را ببینید، رادیوها جنجالی درست می‌کنند که حادثه‌ی مهمی در جریان است!! خیر، آن حادثه‌ی بی‌کی که در ایران در جریان است، عبارت از تصمیم قاطع ملت ایران به تعقیب اهداف نظام اسلامی

است؛ آن چنانی که امام عزیز ما ترسیم کرده‌اند. آن حادثه‌یی که در ایران در حال انجام است، ان شاء الله حرکت سریعتر و دقیقتر به سمت هدفهای اسلامی است. آن حوادثی که آنها و دل‌های کین‌ورز و مریض می‌خواهند، از محیط اسلامی ما بحمدالله دور بوده و دور خواهد ماند. اینها دردهای نظام اسلامی است؛ اینها چیزی نیست. اگر در جوامع و کشورهای اسلامی، علما و روشنفکران و متفکران و بزرگان و پیشگامان وحدت، جهت حرکتشان به سمت حاکمیت اسلام باشد، این حرکت، حرکت موفق است؛ والا اگر این‌طور نباشد و در مقابل حاکمیت طواغیت و کفار و حکومت‌های سرسپرده و بی‌عرضه، تابع و تسلیم باشند، معلوم است که وحدت تضمینی نخواهد داشت. شما از این طرف، شعار وحدت بدهید، جوش بزنید، غصه بخورید؛ از آن طرف، پول‌های به ناحق بذل و خرج شده و یک عده آدم سست‌عنصر قلم‌به‌مزد نوک‌صفت هم پیدا می‌شوند و اندوخته‌های شما را به باد خواهند داد و رشته‌ها را پنبه خواهند کرد. این "مجمع‌التقريب بين المذاهب الاسلاميه" که ما این‌جا درصدد هستیم و برادران ما همت کردند - و من از کسانی که همکاری کردند و خواهند کرد، صمیمانه متشکرم - باید زمینه‌های تقرب را در جنبه‌های اعتقادی، کلامی، فکری، فقهی، اصولی و علمی فراهم بکند؛ لیکن آن هدف اساسی باید به یاد متفکران اسلام باشد. دشمنان اسلام، این را نمی‌خواهند؛ اما آنچه که خدا می‌خواهد، آن خواهد شد. "والله غالب علی امره".

امیدواریم که خداوند متعال آقایان را مشمول توفیق و رحمت و فضل خود قرار بدهد. ما را در راه اسلام و خدمت به اهداف اسلامی، توفیق ادامه‌ی راه بدهد. روح مقدس امام بزرگوارمان را از آنچه می‌گذرد، شاد و خشنود بفرماید و ما را مشمول دعا و رضای ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته